

The Domain of Obligations and Civil Liability of Client and Lawyer arising from Personal and Other's Act against Each Other and Third Parties in Islamic Jurisprudence and French Law

Alireza Yazdanian¹

Received: 21/11/2016; Accepted: 19/02/2019

Abstract

Trust possession (Yade Amani) and the liability arising from encroachment and wastage and the lawyers obligation in observing the trust and expedience of the client and the status of the contracts that the lawyer has signed outside of the scope of his/her powers have been dealt with in Islamic jurisprudence. However, there is a little material regarding other obligations or the contractual civil liability arising from the breach of obligations or contractual liability arising from the delay in the fulfillment of obligations. While there is a third party presence in the attorney contract and sometimes despite the relativity of contracts the scope of the obligations extends to third parties and breach of any of these obligations fulfill the liability resulting from personal and other's act and third party. Therefore, the client not the only has contractual liability resulted from personal act toward the attorney or the other party of the contract, but sometimes contractually or tortiously liability is liable due to another's act as well. Correspondingly, the lawyer has contractual liability arising from personnel act toward client and sometimes is liable toward the client or other individuals for other's act that is examined through a comparison with French law.

Key Words: Lawyer, Client, Responsibility, Obligation.



قلمرو تعهدات و مسئولیت مدنی موکل و وکیل ناشی از فعل شخصی و فعل غیر در مقابل یکدیگر و اشخاص ثالث در فقه و حقوق فرانسه

علیرضا یزدانیان^۱

تاریخ دریافت ۹۵/۰۹/۰۱ - تاریخ پذیرش ۹۷/۱۱/۳۰

چکیده

در فقه، به ید امانی و ضمان ناشی از تعدی و تفریط و تعهد وکیل در رعایت امانت و مصلحت موکل و وضعیت قراردادهای خارج از حدود اختیارات وکیل، پرداخته شده است. اما درباره دیگر تعهدات طرفین و مسئولیت قراردادی ناشی از نقض تعهدات و یا تاخیر در انجام تعهدات مطالب چندانی نیست. در حالی که در قرارداد وکالت، گاه ثالثی حضور داشته و علی‌رغم اصل نسبی بودن قراردادها، گاه دامنه تعهدات به ثالث تسری می‌یابد و نقض هر یک از این تعهدات، مسئولیت ناشی از فعل شخصی و مسئولیت ناشی از فعل غیر را در مقابل وکیل و موکل و در مقابل ثالث محقق می‌سازد. بنابراین، موکل مسئولیت قراردادی ناشی از فعل شخصی در مقابل وکیل یا طرف دیگر قرارداد داشته و گاه مسئولیت قراردادی یا قهری ناشی از عمل غیر نیز دارد. به همین ترتیب وکیل در مقابل موکل مسئولیت قراردادی ناشی از عمل شخصی و گاه در مقابل موکل و یا دیگر اشخاص، مسئولیت ناشی از عمل غیر دارد که با تطبیق با حقوق فرانسه بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی: وکیل، موکل، مسئولیت، تعهد.





مقدمه

وکالت یعنی استنباط در تصرف (جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۲۳۷) یا تفویض امری به دیگری (طوسی، ۱۴۰۸: ۲۸۲) عملی است که بوسیله آن، موکل به وکیل اختیار می‌دهد برای موکل و به حساب وی امری را انجام دهد. (Mazeaud, 1978: 127) با عقد وکالت، تعهدات قراردادی بر ذمه طرفین بار شده که اگر هر یک از این «تعهدات قراردادی» نقض شود، بر ذمه متعهد، تعهد جدیدی با موضوع جبران خسارت، تحت عنوان «مسئولیت مدنی قراردادی» به وجود می‌آید. در عقد وکالت، با توجه به اعتماد موکل به وکیل، گذشته از انجام موضوع وکالت، «تکلیف به درستی و صداقت»^۱ و تعهد به رعایت مصلحت موکل بر عهده وکیل بار شده؛ (تبریزی، ۱۴۲۶: ۲۶۳) گویا وکیل در انجام رسالت خویش، باید منافع خویش را از یاد برده، به منافع موکل بیندیشد، و گر نه، مسئول است. امروزه دامنه تعهدات وکیل، گسترش یافته و تعهداتی مانند دادن اطلاعات یا مشاوره نیز بر عهده وکلا بار شده، (Bertolaso, 1999: 1) که نقض آنها منتهی به ایجاد مسئولیت مدنی می‌گردد. البته در مورد توصیف رابطه وکیل دادگستری و موکل به رابطه قراردادی، اختلاف است و این اختلاف بر روی توصیف مسئولیت وکیل، بی تأثیر نیست. چنانچه عده‌ای، مسئولیت را قراردادی و برخی، قهری توصیف نموده‌اند. (بدر، ۲۰۰۷: ۵۳) در موضوع مورد بحث، یعنی مسئولیت وکیل، تفاوت توصیف رابطه طرفین دارای این اثر است که اگر رابطه آنها به رابطه قراردادی توصیف گردد، مسئولیت ناشی از نقض تعهدات، نوعی مسئولیت قراردادی، و اگر رابطه ای غیر قراردادی توصیف شود، مسئولیت غیر قراردادی است. نکته قابل توجه این که در فقه، در مورد ید امانی و ضمانی وکیل سخن فراوان (حلی، ۱۴۰۴: ۲۹۵) اما در باب مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از نقض تعهدات،





مطالب زیادی نیست. همچون بیع که به مسئولیت ناشی از نقض آن توجهی نشده. (جعفری تبار، ۱۳۹۴: ۵۹۳) با این که در فقه، به مسأله تکلیف وکیل به رد مال به موکل اشاره شده (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۷۲) که این تکلیف، یکی از تعهدات وکیل است. با وجود این، مسأله به بار اثبات رد مال، محدود شده و به خسارات حاصله از عدم انجام تعهدات، اشارات شفافی نشده، جز این که گفته شده اگر وکیل از حدودی که موکل تعیین کرده تجاوز کند، ضامن است. (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۹۳) بدیهی است مسئولیت مدنی قراردادی، ناشی از نقض تعهدات قراردادی است و بنابراین ممکن است ید وکیل امانی باشد، اما می توان تصور کرد که وکیل مسئولیت مدنی قراردادی داشته باشد. مثلاً اگر وکیلی متعهد باشد تا مالی را که برای موکل خریداری کرده، سالم و در تاریخ معینی به دست وی برساند و وکیل مال را سالم، اما با تاخیر تحویل دهد، ید وی، امانی، اما مسئولیت قراردادی ناشی از تاخیر دارد. (صیمیری، ۱۴۲۰: ۳۵) ممکن است تصور شود که جمع مسئولیت مدنی و ید امانی چگونه ممکن است. توضیح این که ید امانی، مقتضای ذات عقد نیست و مقتضای ذات هر عقدی، امور دیگری است. مثلاً ید مستاجر، امانی، اما ذات عقد اجاره، انتقال منافع مال است. یا در قرارداد حمل و نقل، طبق ماده (۵۱۶) ق.م. ید متصدی، امانی، گرچه مقتضای ذات حمل و نقل، نگهداری نبوده و مقتضای آن حمل کالا از مکانی به مکانی است. در قرارداد وکالت مقتضای آن استنباط است نه امانت. به همین دلیل چه اشکالی دارد که با لحاظ وحدت ملاک ماده (۶۴۲) در مورد عاریه مضمونه، بر وکیل شرط ضمان شود؟ بنابراین با این استدلال، می توان به تفاوت مسأله ید از مسأله تعهدات رسید. در وکالت، ید وکیل، امانی (موسوی خمینی، ۱۳۷۳: ۸۳) اما تعهداتی که باید انجام دهد، امور دیگری است. طبق مواد (۲۷۸) و (۶۳۱) ق.م. در دو حالت ید امانی از امانت خارج شده، تبدیل به ید ضمانی می گردد. اول تعدی و تفریط در عین مال موکل (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۲۶۹) و دوم با انقضای اجل و مطالبه و امکان رد و عدم رد مال، ید وکیل تبدیل به ضمانی می شود. در صورت تعدی و تفریط در عین یا عدم استرداد عین و انقلاب ید امانی به ضمانی، مسئولیت وکیل رد عین مال و در صورت تلف، رد مثل یا قیمت است. (ماده ۳۱۱ ق.م.) بنابراین مستفاد از ماده (۴۹۰) تعدی و تفریط در عین است که ید را ضمانی می کند نه نقض تعهدات دیگر. مثلاً،





مستاجری که متعهد است اجاره بها را در موعد معینی بپردازد، اما به عهد خود وفا نکرده، مرتکب نقض تعهد شده و مسئولیت قراردادی طبق ماده (۲۲۶) دارد، اما مرتکب تعدی و تفریط در عین نشده و ید وی همچنان امانی است. همین وضعیت در مورد وکالت صادق است و در صورتی که وکیل در عین مال، تعدی و تفریط کرده یا با مطالبه مالک آن را مسترد ندارد، ید ضمانی شده و باید عین و مثل یا قیمت را مسترد نماید. اما در صورت نقض تعهدات ناشی از وکالت، وی مکلف به جبران خسارت موکل است و ربطی به ید امانی و ضمانی ندارد. چنانچه گاهی ممکن است ید ضمانی نباشد و در عین حال مسئولیت وکیل محقق شود. مثلاً اگر قرار باشد وکیل مال موکل را در روز شنبه در فرودگاه ساعت ۱۰ تحویل دهد و تاخیر نموده آن را ساعت ۱۲ تحویل دهد، صحبت از تبدیل ید امانی به ضمانی منتفی است. زیرا وکیل در عین مال تعدی و تفریط نکرده و موکل نیز مال را مطالبه نکرده است. بنابراین مساله تابع مواد (۲۷۸) و (۶۳۱) ق.م نیست. اما با لحاظ انقضاء زمان اجل تعهد به تسلیم که ساعت ۱۰ بوده، مساله تابع ماده (۲۲۶) است و در صورتی که موکل ثابت کند که از تاخیر وکیل متحمل خسارت شده، مانند از دست دادن پرواز یا خسارت معنوی، وکیل موظف به جبران خسارت است. بنابراین بحث ید وکیل و بحث مسئولیت مدنی وکیل بی ارتباط نیستند، اما دو مساله متفاوتند. بنابراین مسئولیت، قراردادی و غیر قراردادی، (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۲ و کاتوزیان: ۷۲ و ایزانلو، ۱۳۸۶: ۲۲۸) درباره مسئولیت وکیل نیز قابل طرح است. نکته دیگر این که با لحاظ دکترین، با نقض تعهدات و تکالیف، سه نوع مسئولیت قابل تصور است: فعل شخص؛ فعل اشیا؛ و فعل غیر^۳ (Canin, 2007: 96) که قواعد شیء به فعل شخصی بر می گردد (Larribau- Buffelan Lanore , 2008: 635 et Borghetti, 2010: 1) که ما ضمن اشاره به تعهدات ناشی از وکالت، به مسئولیت ناشی از نقض این تعهدات و تکالیف با تکیه بر فعل شخصی و فعل غیرمی پردازیم. ممکن است سوال شود که چگونه در قرارداد وکالت که فقط رابطه ای



1 Le fait personnel
2 Le fait des choses
3 Le fait d'autrui



قراردادی بین وکیل و موکل است می توان از مسئولیت ناشی از فعل غیر سخن گفت. وانگهی اصل نسبی بودن قراردادها مانع از گسترش تعهدات طرفین به ثالث است و با فقدان تعهد در مقابل ثالث، مسئولیت ناشی از عمل غیر منتفی است. در پاسخ باید توجه داشت که در وکالت به ویژه در موردی که موضوع آن عملی اعتباری یا مربوط به آثار اعمال اعتباری است، مانند انعقاد بیع یا تسلیم مال به مشتری، الزاماً ثالثی وجود دارد. چنانچه طرف عقد بیع، ثالث رابطه قراردادی وکالت بین وکیل و موکل است و وکیل نیز ثالث رابطه اعتباری بین موکل و طرف عقد است. در این حالت، در مواردی دامنه تعهدات طرفین در مقابل ثالث نیز گسترش می یابد. از سویی رابطه بین وکیل و موکل گاه قراردادی و گاه تبعیتی است که اقتضا دارد مسئولیت ناشی از عمل غیر بین آنها در مقابل ثالث مطرح گردد. بنابراین در حقوق تعهدات جای این سوال خالی است که در وکالت که ثالثی نیز وجود دارد، دامنه تعهدات وکیل و موکل در مقابل ثالث تا چه حدودی است. آیا تصور مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر یا مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع در حقوق ایران ممکن است. آیا تجزیه و تحلیل این مناسبات با قرارداد پورت فور ممکن است یا نه و در حقوق ایران تا چه اندازه نظرات فرانسوی قابل پذیرش است. چنین نگاهی به تعهدات وکیل و موکل در حقوق تعهدات فرانسه هست و جای آن در ادبیات حقوق تعهدات ایران خالیست، که طرح مساله نه تنها از نظر نظریه پردازی، بلکه در حقوق قراردادها یک ضرورت عملی است که با تطبیق با حقوق فرانسه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. تعهدات و مسئولیت مدنی موکل

با قرارداد وکالت، بر ذمه موکل، تکالیف و تعهداتی بار می شود که نقض هر یک می تواند به مسئولیت وی منتهی شود که بررسی می شود.

۱-۱. تعهدات موکل

تعهدات موکل در مقابل وکیل است یا در مقابل ثالث.





۱-۱-۱. تعهد در مقابل وکیل

موکل باید زمینه اجرای ماموریت وکیل را فراهم ساخته (Malaurie, 328: Aynes, 1998) و اجرت و هزینه وکیل را بپردازد.

۱-۱-۲. تعهد در مقابل اشخاص ثالث

از آثار نمایندگی این است که هر عملی که وکیل در حدود نمایندگی انجام داده، موکل را در مقابل دیگران متعهد می سازد، چنانچه گویا موکل انجام داده. (Malaurie, 328: Aynes, 1998)

۲-۱. مسئولیت مدنی موکل

نقض هر یک از تعهدات موکل، موجب تعهد به جبران خسارت یعنی مسئولیت مدنی است که این مسئولیت یا ناشی از فعل شخصی موکل است یا ناشی از فعل غیر.

۱-۲-۱. مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی

مسئولیت ناشی از فعل شخصی موکل یا در برابر وکیل است یا ثالث.

۱-۱-۲-۱. مسئولیت موکل در برابر وکیل

موکل در مقابل وکیل، متعهد به پرداخت اجرت و هزینه‌هاست و در صورت امتناع یا تاخیر، طبق ماده (۲۲۶) ق.م.م مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل شخصی دارد.





۲-۱-۲-۱. مسئولیت موکل در برابر اشخاص ثالث

تصور وجود ثالث ممکن است. مثلاً در موردی که موکل به وکیل، وکالت در خرید منزلی می‌دهد، در این حالت، فروشنده نسبت به «وکالت»، ثالث به حساب می‌آید. هر چند بیع بین موکل به عنوان خریدار و فروشنده است و وکیل، نماینده محسوب شده و نسبت به «بیع» ثالث می‌باشد. همین وضعیت می‌تواند سبب مسئولیت موکل در مقابل فروشنده شود که نسبت به وکالت، ثالث است. (Mazeaud , 1978:127 et. Starck,) (1972:390) به این ترتیب وقتی موکلی به وکیل وکالت دهد تا برای وی منزلی بخرد، بیع بین موکل و فروشنده (طبرسی، ۱۴۱۰: ۵۹۷) و تعهدات ناشی از بیع نیز بر ذمه آنهاست؛ اگر عمل وکیل در حدود وکالت باشد، موکل باید به تعهدات ناشی از بیع، عمل نماید (Starck , 1972:391 et. Carbonnier, 1998:227) و در صورت امتناع، موکل، مسئولیت قراردادی ناشی از فعل شخصی دارد که این مسئولیت در مقابل فروشنده است که نسبت به وکالت، ثالث است.

۲-۲-۱. مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر

مسئولیت موکل، گاه مسئولیت ناشی از فعل وکیل است که این مسئولیت به دو گونه می‌باشد: یا مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر است یا مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع.

۱-۲-۲-۱. تقسیم مسئولیت

هر جا « رابطه تبعیت یا گماشتگی» هست (Bacache-Gibeili, 2007, T.5 :250) می‌توان مسئولیت ناشی از عمل غیر مطرح کرد مانند مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر. (Delebecque, Jérôme pansier , 2014 :154) با وجود این، چنین مسئولیتی محدود به مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر نبوده و وجود رابطه تبعیت یا گماشتگی محدود به قرارداد کار نیست و یکی از قراردادهایی که مانند قرارداد کار (قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۶۵ و قاسم زاده، ۱۳۷۸: ۲۶۳) می‌تواند منتهی به وجود رابطه گماشتگی گردد، وکالت است. (Fabre-Magan ,2007,T.2:291 و عبدالله، ۲۰۰۸: ۲۰۷) زیرا وکیل، کارگر





نیست (صفایی، رحیمی، ۱۳۸۹: ۳۱۹) اما به نظر برخی، زمانی که وکیل، متعهد به رعایت دستورات موکل بوده و دارای ابتکاری از جانب خود نباشد، رابطه طرفین به گماشتگی بسیار نزدیک می‌گردد. (Benabant, 2005:398) از سویی مسئولیت موکل ناشی از عمل وکیل می‌تواند به نوعی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر توصیف گردد که بررسی خواهد شد.

۱-۲-۲. مسئولیت مدنی قراردادی موکل ناشی از عمل وکیل

یکی از اقسام مسئولیت های ناشی از عمل غیر، «مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از فعل غیر» است (Saint-Pau, 2013:48) که در آن متعهد، اشخاصی را برای اجرای قرارداد به کار می‌گیرد، و با نقض تعهد توسط این اشخاص، متعهد، مسئولیت قراردادی جبران خسارت هایی را دارد که اشخاص مزبور وارد نموده اند. (سنهوری، ۱۹۹۸: ۵۴۴) چنین مسئولیتی در مورد موکل قابل طرح است. از نظر تحلیلی وکیل، نماینده موکل است (Vaillier, 2014 :3 et Terré , Simler, Lequette, 2005 :179) و هرگاه معامله‌ای به نمایندگی منعقد کند، (Weill, Terré , 1975 :78) موکل باید تعهدات ناشی از معامله را انجام دهد و گر نه، موکل، مسئولیت قراردادی ناشی از فعل شخصی دارد و اصولاً وکیل، اجرای تعهدات قرارداد منعقد شده بین موکل و ثالث را بر ذمه ندارد و اگر وکیل در حدود وکالت عمل نماید، متعهد به انجام تعهدات ناشی از عقد نیست. به همین دلیل، اگر موضوع وکالت اکتیاع منزلی برای موکل باشد، عقد بیع بین موکل و فروشنده است و موکل به عنوان خریدار باید ثمن را تحویل داده و فروشنده نمی‌تواند از وکیل مطالبه نماید. (Flour,)

۱ - اصولاً وکیل به حساب موکل عمل می‌کند، اما معمولاً تحت کنترل موکل نبوده و استقلال دارد. رویه قضائی فرانسه، نوعاً موکل را متبوع، و وکیل را تابع، تلقی نکرده. با وجود این، هر جا بر حسب اوضاع و احوال، نظارت و کنترل موکل بر وکیل ثابت باشد، محاکم رابطه گماشتگی را بین ایشان احراز نموده اند. مثلاً در ۲۷ می ۱۹۸۶ شعبه مدنی دیوان عالی فرانسه رأی داده که توصیف برخی از اعضای اداره کننده یک شرکت به عنوان وکیل، مانع از این نیست که بتوان بر آنها صفت تابع اطلاق کرد. بنابراین در فرانسه، وصف وکیل، مانع از این نیست که وکیل، نوعی تابع نیز به حساب آید و مانند مسولیت کارفرما ناشی از فعل کارگر، موکل نیز مسئول اعمال وکیل تلقی گردد. (Viney Jourdain. 1988 :872).





Aubert, Savaux, 2008, T.1: 379) با وجود این، ممکن است موکل در مورد انجام تعهدات به وکیل، وکالت دهد که وکیل، متعهد به اجرای تعهدات ناشی از عقد می‌گردد. مثلاً، تردید است که وکیل در فروش، در تسلیم نمودن مبیع نیز وکالت دارد یا نه (نجفی، بی تا: ۳۷۱ و سبزواری، ۱۴۲۳: ۶۷۵) اما اگر تصریح گردد که وکیل، مبیع را تسلیم کند، در این صورت وکیل باید به اجرای تعهد ناشی از عقد یعنی تسلیم مبیع اقدام نماید. در این حالت، با توجه به رابطه قراردادی بین موکل و خریدار و با توجه به اینکه وکیل طبق قرارداد وکالت، موظف بوده تا به تعهدات بیع عمل کند، در صورتی که وکیل به تعهدات ناشی از بیع عمل نکند، شرایط «مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر» فراهم بوده و موکل در برابر خریدار، مسئولیت قراردادی ناشی از عمل وکیل دارد. (Viney, 1995: 294) وکیل نیز در برابر موکل به جهت نقض تعهدات، مسئولیت قراردادی ناشی از فعل شخصی دارد.

۱-۲-۳. مسئولیت موکل به عنوان متبوع ناشی از عمل وکیل به عنوان تابع

یکی از اقسام مسئولیت های ناشی از عمل غیر، «مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع»^۱ است. گاهی به برخی اشخاص، اقتداری، اعطا شده تا نسبت به فعالیت های شخص دیگری، امر و نهی نمایند که شخصی که توانایی و اقتدار بر کنترل فعالیت های دیگری دارد، «متبوع»^۲ و شخصی که از این اوامر و نواهی در خصوص فعالیت خاصی تبعیت می نماید، «تابع»^۳ است که با شرایطی، متبوع، مسئول عمل تابع است. مانند مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر. (Antonmettel, Raynard, Seube . 2002:203 et Radé. 2007:3) موکل نیز می تواند به عنوان متبوع، مسئول عمل تابع یعنی وکیل باشد. (Outin- Qdam, 2011:106) وکالت مانند قرارداد کار می تواند موجب رابطه گماشتگی بین وکیل و موکل باشد. (عوجی، ۲۰۰۹: ۴۶۳) البته باید اوضاع و احوال دلالت بر این کند که بین موکل و وکیل رابطه گماشتگی وجود دارد تا موکل بتواند به عنوان متبوع، مسئول اعمال



1 La responsabilité du commettant du fait du son préposé

2 Commettant

3 Préposé



وکیل به عنوان تابع باشد. به این امر در رأی شعبه کیفری دیوان عالی فرانسه در ۲۴ فوریه ۱۹۳۴ تصریح شده است. مسئولیت مدنی قهری موکل ناشی از عمل وکیل به عنوان چهره‌ای از مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع، وقتی است که وکیل سبب ورود خسارت به دیگری شده و خسارت مزبور ناشی از اجرای تعهدات قراردادی نباشد که وکیل به حساب موکل منعقد کرده. در غیر این صورت، یعنی در فرضی که موکل به عنوان طرف قرارداد با متعهد له، متعهد به اجرای تعهداتی بوده و اجرای تعهدات را بر عهده وکیل گذاشته، و وکیل در موقع اجرای تعهدات قراردادی موکل و با نقض عهد، سبب ورود خسارت به متعهدله شده، مسئولیت موکل، مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر خواهد بود، نه مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع. بنابراین وقتی وکیل اتومبیل موکل را به مشتری می‌فروشد، بیع بین موکل به عنوان فروشنده و خریدار بوده و تعهدات بر ذمه موکل است و موکل باید به تعهدات عمل کند و وکیل وظیفه‌ای در اجرای تعهدات موکل ندارد. اما اگر، وکیل تعهد نموده باشد که به نیابت از موکل، تعهدات را اجرا کند، در صورتی که وکیل با نقض تعهد از جانب موکل سبب خسارت مشتری به عنوان متعهدله بیع شود، مانند این که مبیع را در تاریخ مقرر در بیع تحویل ندهد، مسئولیت موکل ناشی از عمل وکیل، مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر است نه مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع. زیرا وکیل در مقام اجرای تعهدات، با عدم انجام تعهد، سبب خسارت مشتری شده. اما اگر وکیل بدون نقض تعهدات و بدون این که فعل مزبور ربطی به اجرای تعهدات داشته باشد، مرتکب فعل زیان باری شده و سبب خسارت شود و در عین حال این فعل زیان بار در حین انجام وظیفه با یه سبب مأموریت وی باشد، مانند این که هنگام تحویل اتومبیل به مشتری تصادف کرده و سبب خسارت شخصی گردد، با توجه به نظریه مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع و با توجه به وحدت ملاک ماده ۱۲ ق.م.م، موکل، مسئولیت عمل وکیل را بر عهده دارد و مسئولیت موکل، مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع است و این مسئولیت، مانع از مسئولیت وکیل نیست. (سنهوری، ۱۹۹۸: ۱۱۵۳ و ۸: Radé, 2007)





۲. تعهدات و مسئولیت مدنی وکیل

در وکالت، بر ذمه وکیل، تکالیف و تعهداتی بار می شود که نقض آنها، به مسئولیت وی منتهی می شود.

۱-۲. تعهدات وکیل

تعهدات قراردادی وکیل در مقابل موکل است.

۱-۱-۲. تعهد به انجام موضوع وکالت و دادن حساب

تعهد اصلی وکیل، انجام مأموریتی است که موکل به وی واگذار کرده. همچنین باید نسبت به اداره اموال موکل حساب داده و هر آنچه را به جای وی گرفته مسترد دارد. (Maurie , Aynes,1998 :327)

۲-۱-۲. تعهد به کوشش متعارف

وکیل باید در غیاب دستورات صریح موکل، در انجام مأموریت خود سعی و کوشش متعارف داشته (Terré , Simler. Lequette, 2005 :182) و بر حسب اوضاع و احوال متفاوت، باید اقدامات متنوعی انجام دهد. مثلاً، یکی از تعهدات وکیل، «سرعت و شتاب و چابکی خاصی»^۱ است. چنانچه در مواردی که تأخیر می تواند به زیان موکل منتهی گردد، وکیل باید با سرعت، موضوع وکالت را انجام دهد. تعهد به سعی و کوشش و مراقبت، زمینه ساز تعهد دیگر وکیل یعنی «حرکت و پویایی»^۲ است. چنانچه وکیل باید پویا و پر تحرک باشد. همچنین متعهد است در کار خود «اصرار و پشتکار»^۳ داشته و تعهد به سعی و کوشش و مراقبت متعارف، شامل «تعهد به احتیاط»^۴ نیز می باشد. (Bertolaso, 1999 :1) به قول فقها وکیل باید تام البصیره باشد تا بتواند به خوبی ایفای نقش کند. (جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۲۶۴) و برخی نیز دانستن زبان را شرط نموده اند. (طوسی، ۱۴۰۸: ۲۸۲ و حلی، ۱۴۱۰: ۴۱۶)



1 Célérité
2 Dynamisme
3 persévérant
4 Obligation de prudence



۲-۱-۳. تعهد به صداقت و درستی

تعهد دیگر، تعهد به درستی و صداقت و رعایت مصلحت موکل است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۲۱۲ و میرزای قمی، ۱۳۷۱: ۵۲۳). اعتماد و امانت بر روابط وکیل و موکل سایه افکنده و همین امر می‌طلبد تا وکیل، مأموریت خویش را در راستای منافع موکل به پایان رساند. (Bertolaso, 1999: 1)

۲-۱-۴. تعهد به دادن اطلاعات و مشاوره

در فرانسه، وکیل، متعهد به دادن اطلاعات و مشاوره‌هایی در مورد موضوع وکالت به موکل می‌باشد بنابراین وکیلی که فراموش کند تا طرق دفاع را به موکل خویش یادآور شود، تعهد به دادن اطلاع را نقض کرده و مسئول است و وکیلی که توجه موکل خود را به تضمین‌های یک سند جلب نکرده، از وظیفه اطلاع رسانی و مشاوره طفره رفته. (Bertolaso, 1999: 1)

۲-۲. مسئولیت مدنی وکیل

نقض هر یک از تعهدات و تکالیف، موجب تعهد به جبران خسارت به نام مسئولیت مدنی است که این مسئولیت یا ناشی از فعل شخصی وکیل است یا ناشی از فعل غیر.

۲-۲-۱. مسئولیت ناشی از فعل شخصی در برابر موکل

گاهی مسئولیت وکیل در برابر موکل، ناشی از فعل شخصی اوست.

۲-۲-۱-۱. مسئولیت قراردادی در برابر موکل

در صورت عدم انجام تعهدات و ورود خسارت به موکل، وکیل مسئولیت قراردادی دارد. (Colin , Capitant, 1935,T.2: 791 et. Vaillier, 2014: 3)

۲-۲-۱-۲. بار اثبات تقصیر

در فرانسه با عدم انجام تعهد، و عدم اثبات فورس ماژور، فرض بر این است که وکیل، مقصر می‌باشد. یعنی تعهد وکیل، تعهد به نتیجه است. با وجود این، محاکم برای وکیل، تعهد به وسیله هم در نظر گرفته‌اند که موکل باید تقصیر وکیل را به اثبات رساند. (محمود سوادی، ۲۰۱۰: ۸۵ و Vaillier, 2014: 3)





«اجرای بد تعهد»^۱ افاصل به تفکیک شده و فرض تقصیر، فقط در مورد نقض کامل تعهدات از سوی وکیل بوده و در مورد اجرای بد تعهد، کاربرد ندارد. این نظر، با تقسیم تعهدات به تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله بی ارتباط نیست؛ در صورت نقض کامل تعهد، گویی تعهد وکیل، تعهد به نتیجه بوده و در صورت اجرای بد تعهد، گویی، تعهد به وسیله است. در حالت اول، وکیل مسئول جبران خسارات بوده و معاف نیست مگر فورس ماژور به اثبات رسد. اما در حالت دوم، موکل باید تقصیر وکیل را به اثبات رساند. برخی از نویسندگان فرانسوی مانند «لارومه»^۲ در توجیه منطقی این تفکیک، معتقدند که در حالت اجرای بد تعهدات، موکل در واقع مدعی است که نتیجه به دست آمده از اجرای بد و ناقص تعهدات با آنچه که اگر وکیل به اندازه کافی سعی و کوشش و مراقبت از خود نشان می‌داد، متفاوت است و موکل در موقعیت بهتری است که این ادعا را اثبات کند. در حالی که در حالت نقض کامل تعهدات، اصلاً نتیجه‌ای به دست نیامده تا موکل بخواهد به مقایسه آن نتایج پردازد. (Bertolaso, 1999: 1) تفکیک بین تعهد به وسیله و نتیجه در ذهن فقها وجود داشته. مثلاً در تعهد به رد مال به موکل، طبق یک نظر، قول موکل مقدم بوده و در ادعای تلف، قول وکیل مقدم است. (حلی، ۱۴۰۷: ۳۸ و ۳۹) در تعهد به رد، فقها تعهد را نوعی تعهد به نتیجه، و در تلف، تعهد به مواظبت را، تعهد به وسیله، ارزیابی کرده اند.

۲-۲-۱-۳. ارزیابی تقصیر

تقصیر وکیل به صورت «نوعی و عینی و انتزاعی»^۳ و با توجه به معیار انسان متعارف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با وجود این، در فرانسه بر حسب این که وکالت مجانی باشد یا معوض، در معیار ارزیابی، تفاوت‌هایی هست. اگر وکیل در مقابل اجرت، انجام امری را بر عهده گیرد، معیار ارزیابی تقصیر، یک وکیل حرفه‌ای خوب و متعارف می‌باشد. در فرانسه بر چنین وکیلی تا حدودی سخت‌گیری می‌شود. اما در وکالت مجانی و دوستانه، در مورد ارزیابی تقصیر وکیل، سخت‌گیری کمتری شده. چنانچه در ارزیابی تقصیر وی، معیار،



1 Mauvaise exécution des obligations

2 Larroumet

3 In abstracto



یک وکیل حرفه‌ای نیست، بلکه رفتار وی را با وکیل دوستانه‌ای می‌سنجند که در قبال خدمت خویش، اجرتی دریافت نمی‌کند. (Bertolaso, 1999:1) به نظر فقها هم بر وکیل محسن و نکوکار سخت‌گیری در بار اثبات تقصیر روا نیست. (حلی، ۱۴۰۷: ۳۹)

۲-۲-۱-۴. فوت شانس

ضمانت اجرای نقض تعهد وکیل می‌تواند مسئولیت ناشی از فوت شانس باشد. منتها «فوت شانس محقق نیست مگر این که شانس فوت شده باشد»^۱ و شانس باید مسلم و جدی باشد، (Viney, 1988:165 et Jourdain, 2007:131) و گر نه، ضرر احتمالی بوده و قابلیت جبران ندارد. (غمامی، ۱۳۷۶: ۵۶) مثلاً اگر حکم محکومیت موکل صادر شده و وکیل به موقع تجدید نظر نکرده و حکم قطعیت یابد، وکیل شانس موکل را در نقض حکم از بین برده و مسئول است. (Mazeaud, 2007: 266)

۲-۲-۲. مسئولیت ناشی از عمل غیر در برابر موکل

گاهی مسئولیت وکیل در برابر موکل، ناشی از فعل غیر است. وکالت قائم به شخص بوده و وکیل نمی‌تواند انجام موضوع وکالت را به دیگری واگذار کند، مگر این که در عقد وکالت شرط خلافی باشد. در فرانسه ماده (۱۹۹۴) ق.م.ف به این موضوع اشاره کرده و موکلی که از این نقض تعهد وکیل، متحمل خسارت شده، می‌تواند از وکیل اول یا وکیل دوم مطالبه خسارت کند. (Bertolaso, 1999:1) تفکیک سه حالت ضروری است که در حالت خاصی مسئولیت ناشی از عمل غیر، محقق می‌گردد که در قسمت‌های بعد مطرح می‌گردد.

۲-۲-۱-۱. وکیل مجاز در توکیل

حالت اول، موردی است که وکیل، مجاز به توکیل باشد (عاملی، ۱۴۱۰: ۱۶۰) و وکیل اول، وکیل دومی اختیار نماید و در انتخاب وکیل دوم، تقصیری متوجه وکیل اول نباشد. صرف نظر از اینکه وکیل دوم، نماینده وکیل اول است یا نماینده موکل، (جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۲۸۹ و سبزواری، ۱۴۲۳: ۶۸۲) در صورتی که وکیل دوم با نقض تعهد و عدم اجرای موضوع وکالت، خسارتی به موکل وارد آورد، اصولاً وکیل اول در مقابل ثالث یا



1 Pas de perte de chance sans chance perdue



موکل، مسئولیتی ندارد. در فرانسه نیز وقتی وکیل اول مجاز به توکیل باشد، در مقابل موکل قاعدتاً مسئول عمل وکیل دوم نمی‌باشد (Bertolaso, 1999:1) و وکیل دوم مسئول است و اصولاً، وکیل اول مسئول نمی‌باشد مگر تقصیری از وی به اثبات برسد.^۱

۲-۲-۲. ارتکاب تقصیر در توکیل

حالت دوم، وکیل، مجاز به توکیل است، ولی در انتخاب وکیل، مرتکب تقصیر گردد. زیرا وکیل باید وکیل امینی انتخاب کند. (بحرانی، ۱۴۰۵: ۵۴) طبق ماده (۱۹۹۴) ق.م.ف در موردی که وکیل مجاز به توکیل باشد، ولی شخص معینی به عنوان وکیل دوم تعیین نشده، و وکیل اول شخصی را انتخاب کند که محجور یا معسر باشد، وکیل اول، مسئولیت اعمال وکیل دوم را دارد که نوعی مسئولیت ناشی از فعل شخصی است.^۲ تا این

۱ - در فرانسه، به نظر برخی، وکیل دوم در مقابل موکل، مسئولیت قراردادی دارد. طبق ماده ۱۹۹۴ ق.م.ف پیش‌بینی شده تا موکل بتواند مستقیماً به وکیل دوم که جانشین وکیل اول شده، مراجعه کند. (Marty.Raynaud.Jestaz, 1989 T.2:143) این دعوی، نوعی دعوی مسئولیت قراردادی است. در این جا نیز می‌توان با دید انتزاعی این مسأله را مطرح کرد که آیا بین موکل و وکیل دوم، رابطه قراردادی وجود دارد تا موکل بتواند به وکیل دوم بر مبنای مسئولیت قراردادی مراجعه کند یا نه؟ زیرا با اثر نسبی بودن قراردادها، شاید به دلیل فقدان رابطه قراردادی بین موکل و وکیل دوم، رجوع موکل به وکیل دوم به عنوان مسئولیت قراردادی با مانع رو به روست. مگر این که وکیل دوم نماینده و وکیل موکل به حساب آید و اجازه توکیل به این تعبیر گردد که وکیل اول حق داشته باشد، وکیل دومی را برای موکل و به عنوان وکیل وی اختیار کرده و بین موکل و وکیل دوم رابطه قراردادی برقرار شده باشد. در فرانسه مقررات خاصی در مورد ماهیت و رژیم حاکم بر دعوی موکل، علیه وکیل دوم پیش‌بینی نشده. جز این که ماده ۱۹۹۴ ق.م.ف با عبارت کلی «در همه موارد» (Dans tous les cas) امکان رجوع موکل به وکیل دوم را مطرح کرده. به نظر برخی با توجه به ماده ۱۹۹۴ ق.م.ف شاید تفاوتی بین این که وکیل اول حق توکیل داشته یا نه، نباشد و در هر حال موکل باید بتواند به وکیل دوم رجوع کند. با وجود این، در غیاب مقررات قانونی، رویه قضایی، دست به ایجاد مقرراتی زده که در مورد رجوع موکل به وکیل دوم کاربرد دارد. بر مبنای رویه قضایی، رجوع موکل به وکیل دوم مستلزم وجود تقصیر است و مسئولیت مدنی وکیل دوم در مقابل موکل، مسئولیت مبتنی بر تقصیر می‌باشد. (Bertolaso, 1999:1) همانگونه که گفته شد، در این حالت وکیل اول در مقابل موکل اصولاً مسئولیتی ندارد. با وجود این، اگر وکیل اول با واگذاری انجام تعهدات به وکیل دوم، بر وی اقتدار داشته و به نوعی، وکیل دوم، به عنوان تابع وکیل اول به حساب آید، می‌توان وکیل اول را به عنوان متبوع، مسئول اعمال وکیل دوم به عنوان تابع دانست.

۱ - مثلاً در فرانسه، یک آژانس مسافرتی که یک عامل را در کشور خارجی به درستی انتخاب نکرده و امنیت مشتریان را به خطر انداخته، مسئول شناخته شده. به نظر برخی، اگر وکیل اول، وکیل دوم را در اجرای تعهدات و





جا مطرح شد که وکیل اول در مقابل موکل مسئولیت ناشی از فعل شخصی دارد. همچنین اگر بین وکیل دوم و وکیل اول رابطه گماشتگی احراز گردد، مسئولیت وکیل اول در مقابل موکل می‌تواند بر مبنای نوعی مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع توجیه گردد.

۲-۲-۳. وکیل غیر مجاز در توکیل

حالت سوم، موردی است که وکیل، مجاز به توکیل نباشد، ولی به ثالثی وکالت دهد که در این فرض، وکیل و ثالث در مقابل موکل مسئول هستند. طبق ماده (۱۹۹۴) ق.م.ف، وکیل، مسئول اعمال شخصی است که جانشین خود نموده و مسئولیت وکیل اول در مقابل موکل، نوعی مسئولیت قراردادی است. (Bertolaso, 1999:1) در این فرض، وکیل دوم ارتباطی با موکل ندارد و جوابگوی اعمال خویش است. برخی از حقوقدانان، وکیل اول را مسئول اعمال وکیل دوم می‌دانند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۷۸) با این وجود، باید بین دو فرض قائل به تفکیک شد.

۲-۲-۳-۱. اعمال حقوقی

در موردی که موکل به شخصی وکالت می‌دهد تا عمل حقوقی مانند بیع برای وی انجام دهد و وکیل بدون این که مجاز به توکیل باشد، به دیگری وکالت دهد تا وی آن را انجام دهد، عمل حقوقی انجام شده، نافذ نمی‌باشد و بایع یا وکیل تعهد قراردادی نداشته و متعهد به تسلیم مبیع نیستند. حال گرچه تعهد به تسلیم وجود ندارد، ولی اگر از اقدامات وکیل اول و دوم به خریدار، خساراتی وارد آید، هر یک در صورت احراز تقصیر و رابطه سببیت، مسئولیت دارد. اگر وکیل اول، مال را به وکیل دوم تحویل دهد، نوعی تعدی و تفریط است و ید وکیل اول مبدل به ید ضمانتی شده و وکیل دوم نیز استیلائی ناروا بر مال

مأموریتش یاری ندهد، ضامن است. همچنین وکیل اول باید بر روی وکیل دوم، نظارت داشته باشد. مثلاً متصدی حمل و نقلی که اجرای تعهدات قرارداد حمل و نقل را به متصدی حمل و نقل دیگری واگذار می‌کند، باید در مورد تأمین امنیت مسافران بر روی نماینده انتخاب شده نظارت داشته باشد. (Bertolaso, 1999:1) در این مورد، وکیل اول در مقابل موکل، مسئولیت قراردادی خواهد داشت. نکته قابل توجه این که مسئولیت وکیل اول در مقابل موکل، مانع از این نیست که وکیل دوم نیز در مقابل موکل، مسئول جبران خسارات باشد. همچنین در این موارد که وکیل اول در مقابل موکل مسئول است، پس از جبران خسارت می‌تواند برای استرداد آنچه به موکل پرداخته، به وکیل دوم مراجعه کند. به همین دلیل، وکیل دوم هم در مقابل موکل مسئول است و هم در مقابل وکیل اول. (Bertolaso, 1999:1)





موکل پیدا نموده و ید و کیل اول و دوم ضمانتی بوده و در مقابل موکل هر دو مسئولیت ناشی از ید ضمانتی دارند. اگر وکیل دوم مال را به خریدار تحویل دهد، طبق ماده (۳۶۶) ق.م. خریدار نیز ید ضمانتی دارد.

۲-۲-۲-۲-۲. اعمال مادی

تحقق وکالت در امور مادی، محل مناقشه است. به نظر برخی، موضوع وکالت بیشتر انجام عمل حقوقی است نه مادی. با وجود این به نظر می‌رسد می‌توان با مسامحه وکالت در امور مادی را پذیرفت. مثلاً، قبض ثمن به ویژه اگر عین معین باشد، بیشتر مادی است نه اعتباری که طبق ماده (۶۶۵) در مواردی موضوع وکالت است. زیرا با بیع، ثمن شخصی به ملکیت بایع درآمده و قبض آن هیچ جنبه انشایی نداشته و مادی است. به فرض پذیرش نظر کسانی که وکالت در امر مادی را می‌پذیرند، در موردی که موضوع وکالت، انجام امر مادی بوده و در قرارداد نیز شرط مباشرت نشده، اگر وکیل اول آن را به وکیل دومی واگذار نماید و وکیل دوم آن را طبق دستوری که موکل داده، انجام دهد، به نظر می‌رسد وکیل دوم مستحق اجرت المثل است. زیرا؛ عمل، طبق درخواست موکل انجام شده و اگر دستمزدی به آن تعلق نگیرد، موکل بی‌جهت به زیان وکیل دوم دارا شده و اگر در قراردادی شرط مباشرت نشده، انجام تعهد به وسیله شخص دیگر، امکان دارد. بنابراین اگر شخص دیگری موضوع وکالت را انجام دهد، به نظر می‌رسد نوعی وفای به عهد از ناحیه غیر مدیون است. مگر این که شرط مباشرت شده باشد که در این موارد، واگذاری انجام تعهد به دیگری ممکن نبوده و در واقع وفای به عهد صورت نگرفته. در این موارد نیز اگر انجام امر مادی، مستلزم تصرف و وضع ید وکیل دوم باشد، این امر سبب ید ضمانتی وکیل دوم بر مال موکل است که وکیل اول و وکیل دوم در مقابل موکل مسئولیت دارند. اگر به ظاهر ماده (۶۷۳) ق.م. بسنده شود، بدیهی است که مسئولیت وکیل دوم و وکیل اول هر کدام مسئولیت ناشی از عمل شخصی است. زیرا طبق ظاهر ماده مزبور هر یک از وکیل اول و وکیل دوم نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود، مسئول است. بنابراین علیرغم بند ۱ ماده (۱۹۹۴) ق.م.ف که وکیل اول را مسئول اعمال وکیل دوم می‌داند، در ایران صراحتی نیست. با وجود این، با توجه به رابطه تبعیتی که ممکن است بین وکیل اول و





دوم ایجاد شود، مسئول دانستن وکیل اول نسبت به اعمال وکیل دوم، مناسب به نظر می‌رسد. مانند موردی که وکیل اول انجام امور وکالتی را به کارگر خود به عنوان وکیل دوم بسپارد و وکیل دوم به نوعی تابع یا گماشته وکیل اول باشد که در این صورت وکیل اول، مسئول ناشی از اعمال تابع خویش است.

۲-۲-۳. مسئولیت وکیل در برابر شخص ثالث

مسئولیت وکیل در برابر ثالث، اصولاً منتفی است مگر در موارد خاصی که می‌تواند قراردادی یا قهری باشد.

۲-۲-۳-۱. اصل عدم مسئولیت

این سوال قابل طرح است که آیا وکیل در مقابل ثالث مسئول است یا نه. عقد وکالت، بین موکل و وکیل بوده و هر شخص دیگری نسبت به این عقد، بیگانه و ثالث است. در فقه وقتی وکیلی برای موکل خود خرید کرده و به اطلاع طرف قرارداد رسانده که برای موکلش ابتیاع می‌کند، به نظر برخی بایع می‌تواند برای وصول ثمن به وکیل و موکل هر دو رجوع کند. (کیدری، ۱۴۱۶: ۳۲۲) در فرانسه از ماده (۱۱۹۷) ق.م.ف قابل استنباط است که وکیل هیچ ضمانتی در مقابل دیگران ندارد. بنابراین به عنوان یک اصل باید گفت که وکیل هیچ مسئولیت و تعهدی در مقابل ثالث بر عهده ندارد. (Le Tourneau, 541: Cadiet, 1998). این ماده متضمن اعمال یک اصل کلاسیک است که بر مبنای آن نماینده یعنی وکیل که عملی را به نفع منوب عنه یعنی موکل انجام داده با اتمام مأموریت، از صحنه روابط طرفین حذف می‌گردد و تعهدی ندارد. (Maurie, Aynes, Stoffel, 380: 423et Flour, Aubert, Savaux, 2008.T.1: Munck, 2007) وکیل مأمور و وسیله انعقاد عقد می‌باشد و شخصاً یکی از طرفین عقد به حساب نمی‌آید و در قبال نقض تعهد یا بد اجرا شدن تعهدات موکل، مسئولیتی ندارد. به همین دلیل زمانی که مشتریان شرکتی بابت سفارش کالایی، پولی را به حساب شرکت واریز کرده و شرکت به تعهدات خود عمل نمی‌کند، طبق نظر شعبه اول مدنی دیوان عالی کشور فرانسه در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۸ وکیل شرکت، مسئولیتی ندارد. همچنین زمانی که وکیل یک موسسه ورزشی به نمایندگی از موسسه بلیط هواپیما خریداری می‌کند تا بازیکنان به محلی مسافرت کنند، طبق نظر شعبه





اول مدنی دیوان عالی فرانسه در ۴ مارس ۱۹۸۶ تعهد به پرداخت هزینه بلیطها بر عهده موسسه است نه وکیل. البته عدم مسئولیت وکیل در مقابل ثالث، اصل است. بنابراین به نظر نویسندگان فرانسوی در موارد استثنایی، وکیل در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت دارد، (Bertolaso, 1999) که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۳. مسئولیت در مقابل اشخاص ثالث

اصل بر این است که وکیل در مقابل ثالث، مسئولیتی ندارد مگر در موارد خاصی.

۲-۲-۳-۱. مسئولیت مدنی قراردادی

به نظر برخی، در مواردی وکیل در مقابل اشخاص ثالث، مسئولیت قراردادی دارد.

۲-۲-۳-۱-۱. تجاوز از اختیارات

حالت اول که می‌تواند منتهی به مسئولیت وکیل گردد، فرضی است که در آن وکیل از حدود اختیارات خارج شود. به عنوان یک اصل، در مواردی که ثالث بر دامنه و ماهیت تعهدات وکیل آگاه است، نمی‌تواند بر علیه وی دعوی مسئولیت طرح کند و چندان اهمیتی ندارد که وکیل خارج از محدوده اختیاراتی که موکل به وی داده، عملی انجام می‌دهد. این فرض در ماده (۱۹۹۷) ق.م.ف مطرح شده. گویا در این موارد در لحظه‌ای که وکیل مداخله می‌نماید، ثالث به این مداخله راضیست و ریسک این تجاوز را پذیرفته. همچنین در این فرض، رابطه سببیتی بین ضرر ادعا شده و تقصیر وکیل نیست. در این موارد، دادگاه‌های فرانسوی، دعوی ثالث را بر علیه وکیل با این استدلال رد می‌نمایند که این خسارت ناشی از تقصیر ثالث است. مثلاً در موردی که شخصی بدون داشتن اختیارات در یک شرکت به مستأجر شرکت قول داده که قرارداد اجاره را تمدید می‌کند و مستأجر واقف بوده که شخص مزبور دارای چنین اختیاری از سوی شرکت نیست، نمی‌تواند در مورد خسارت خود از نماینده مزبور خسارت دریافت دارد که نظر دیوان عالی فرانسه در ۹ ژوئیه ۱۸۷۲ همین بوده. همین راه حل در شعبه اول مدنی دیوان عالی فرانسه در ۱۶ ژوئن ۱۹۵۴ در موردی پذیرفته شده که در آن گرچه وکیل صراحتاً تجاوز از اختیارات خود را به ثالث نگفته، اما ثالث در موقعیتی بوده که می‌توانسته کاملاً بر دامنه اختیارات وکیل آگاهی یابد. بر اصل فوق یک استثنا وجود دارد و این نشان می‌دهد که آگاهی ثالث بر





محدوده اختیارات، همیشه مانع دعوی مسئولیت علیه وکیل نیست و در مواردی ثالث می‌تواند علیه وکیل، دعوی مسئولیت قراردادی مطرح کند و آن فرضی است که وکیل شخصاً در مقابل ثالث، اجرای تعهدات قراردادی بین موکل و ثالث را بر عهده می‌گیرد که در ذیل ماده ۱۹۹۷ ق.م.ف به این فرض اشاره شده. تعهد شخصی وکیل در این موارد در قالب تعهدات قرارداد «پورت-فور» (Porte-fort) می‌باشد. قرارداد مزبور قراردادی است که در آن شخصی در مقابل متعهدله تعهد می‌کند که متعهد اصلی به تعهدات خود عمل می‌کند. این قرارداد، نوعی عقد فضولی نیست و تعهد بر ثالث نمی‌باشد. بلکه در این قرارداد در واقع، شخصی اجرای تعهدات عقد را از سوی متعهد، تضمین می‌کند. (Mazeaud, 1978, T.2: 229) این قرارداد، مصنوع ذهن دکترین در فرانسه بود، اما در اصلاحات سال ۲۰۱۶ در قانون مدنی فرانسه در ماده (۱۲۰۴) انعکاس یافته. در موضوع مورد بحث نیز وکیل در ضمن انعقاد قراردادی بین موکل و ثالث، شخصاً اجرای تعهدات را از سوی موکل تضمین می‌کند. (Maurie, Aynes, Stoffel-Munck, 2007: 434) مانند فرضی که وکیل اتومبیل موکل را فروخته و تعهدات بایع را مورد تضمین قرار داده. طبیعی است که در این فرض، قرارداد مستقلی بین ثالث یعنی خریدار و وکیل منعقد شده که جدای از قرارداد وکالت بین موکل و وکیل و جدای از قرارداد بیع بین موکل و خریدار منعقد شده و اگر وکیل با نقض تعهداتی که شخصاً در مقابل ثالث، یعنی خریدار بر عهده گرفته، سبب ورود خسارت به ثالث مزبور شود، در مقابل وی مسئولیت قراردادی خواهد داشت.^۱ (Fabre-Magan, 2008, T.1: 495 et. Carbillac, 2008: 107)

۱ - در این موارد، وکیل پس از این که دامنه اختیارات خود را به اطلاع ثالث یعنی خریدار می‌رساند و به وی آگاهی می‌دهد که از حدود اختیارات خود تجاوز می‌کند، در مقابل وی تعهد می‌کند که تنفیذ و اذن موکل را در تأیید و تنفیذ عمل خود به دست آورد. این توافق جدید، قرارداد خصوصی بین وکیل و خریدار بوده و موکل، ثالث این قرارداد به حساب می‌آید. در این موارد اگر وکیل بتواند اجازه موکل را به دست آورد، از دعوی مسئولیت فرار می‌کند و پس از تأیید عمل وکیل توسط موکل، این موکل است که در مقابل ثالث یعنی خریدار تعهد دارد. اگر هم وکیل نتواند به تعهد خود عمل کرده و تنفیذ موکل را به دست آورد و سبب خسارت به ثالث یعنی خریدار شود، این وکیل



۲-۲-۳-۲-۱. فقدان تجاوز از اختیارات

حالت دیگری قابل تصور است که به زعم حقوقدانان فرانسه در این جا نیز وکیل در مقابل ثالثی که وی را با موکل خود طرف قرارداد نموده، مسئولیت قراردادی دارد. قبلاً مطرح شد که در مواردی که وکیل در محدوده اختیارات خود عمل کرده، اصولاً در مقابل ثالث مسئولیتی نداشته و موکل در مقابل ثالث، مسئول است. این اصل دارای استثنائاتی هست. حقوقدانان فرانسه معتقدند در این فرض اگر وکیل به ثالث اطلاع ندهد که به نام و به حساب دیگری فعالیت می‌کند، در مقابل ثالث مسئول است. چنانچه در این موارد وکیل به نام خود عمل می‌کند و این حقیقت را که وی به حساب دیگری فعالیت می‌کند، از دید طرف قرارداد کتمان می‌نماید. برخی از حقوقدانان فرانسه آن را نوعی «وکالت بدون نمایندگی»^۱ یا «وکالت مشروط یا ناقص»^۲ نامیده‌اند. این وضعیت در برخی از قراردادهای Bertolaso, 1999 (1) مانند حق العملکاری، قراردادهای دیگری نیز در فرانسه وجود دارد که می‌توان آنها را «قرارداد واسطه»^۳ نامید که شخصی بدون افشای نام دیگری، به نام خود اما به حساب دیگری فعالیت می‌نماید. این قرارداد که ماهیتاً نوعی وکالت است، ضمن شرطی، وکیل تعهد می‌کند که در هنگام انعقاد قرارداد نام موکل را پنهان نماید. در این موارد به نظر نویسندگان، وکیل مزبور در مقابل ثالث یعنی طرف عقد، مسئولیت قراردادی دارد.^۴ (Bertolaso, 1999: 1)

است که در مقابل شخص مزبور مسئول است که می‌توان در شعبه اول مدنی دیوان عالی فرانسه در ۱۰ مارس ۱۹۵۴ رأیی را با این مضمون مشاهده نمود. (Bertolaso, 1999: 1) در ایران نیز در صورتی که وکیل در مقابل خریدار یعنی ثالث تعهد کرده و شخصاً به دست آوردن تفیذ موکل را بر عهده گرفته باشد، بر مبنای ماده (۱۰) ق.م.چنین توافقی معتبر بوده و اگر وکیل از انجام تعهدات طفره رود، در مقابل شخص مزبور مسئولیت قراردادی دارد.

- 1 Mandats sans représentation
- 2 Mandats conditionnels ou imparfaits
- 3 Convention de prête-nom

۴ - توجه این که در این موارد که ثالث، واقف بر وجود رابطه نمایندگی بین طرف قرارداد و منوب عنه نیست، قرارداد، بین وکیل و شخص مزبور منعقد می‌گردد که در این صورت نماینده مزبور بک وکیل ساده‌ای نیست که فقط ابزار انعقاد عقد بوده و پس از پایان مأموریتش از صحنه روابط حذف گردد. بلکه اجرای تعهدات ناشی از این قرارداد بر عهده وی است. در فرانسه، در مواردی، رویه قضایی با تأیید راه حل فوق نماینده را در مقابل ثالث، مسئول دانسته. چنانچه تصمیم گرفته شده که حق العملکار شخصاً در مقابل طرف قرارداد متعهد به اجرای قرارداد بوده و مسئول





۲-۲-۳-۲-۲. مسؤلیت مدنی قهری

گاهی تجاوز از اختیارات یا افعال زیان بار، به مسؤلیت مدنی قهری وکیل در مقابل ثالث منتهی می شود.

۲-۲-۳-۲-۱. تجاوز از اختیارات

در فرض قبل که وکیل، مسؤلیت قراردادی در مقابل ثالث پیدا می کرد، ثالث بر حدود اختیارات وکیل، آگاهی داشت، و وکیل شخصاً در مقابل ثالث تحصیل تنفیذ موکل را بر عهده می گرفت. اما گاهی ثالث از محدوده اختیارات وکیل اطلاعی ندارد. در موردی که وکیل از محدوده اختیاراتی که عقد وکالت به وی داده فراتر می رود، در واقع در مورد محدوده اختیارات خود، اطلاعات اشتباه به شخص ثالث می دهد. در این موارد، وکیل سبب می شود که طرف مقابل در مورد محدوده اختیارات وکیل به اشتباه افتد و تصور کند که وکیل به عنوان نماینده اقداماتی انجام می دهد و این نوعی تقصیر از سوی وکیل است که سبب پندار اشتباه ثالث شده که در رأی شعبه مدنی دیوان عالی فرانسه در ۳ می ۱۹۵۵ به آن اشاره شده. این تقصیر، سبب خسارت ثالث شده و وکیل مسئول است. (Bertolaso, 1999:1)



می باشد و اهمیتی ندارد که ثالث هویت منوب عنه را می شناخته یا نه. مثلاً در قرارداد حق العملکاری در شعبه تجاری دیوان عالی کشور فرانسه در ۷ می ۱۹۶۲ نظر داده شده که حق العملکار شخصاً متعهد به تحویل کالا بوده و در ضمن نسبت به عیوب پنهان کالا نیز مسئول می باشد. همچنین در شعبه تجاری دیوان عالی در ۱۳ دسامبر ۱۹۸۲ نظر داده شده که حق العملکار حمل و نقل که به طرف خود اطلاع نداده که در لحظه تحویل کالاهای حمل شده مشکلات جدی وجود داشته، مرتکب تقصیر شده و شخصاً ضامن است. در شعبه مدنی دیوان عالی در ۱۷ اکتبر ۱۹۷۲ تصمیم گرفته شده که وکیلی که به نام خود با ثالث قرارداد منعقد کرده، متعهد اجرای تعهد به حساب آمده و مسؤلیت دارد جز این که حق رجوع به موکل را دارد. در عقد اجاره ای نیز که وکیل به نام خود منعقد کرده و مستأجر مالک را نمی شناسد و فقط با وکیل قراردادی را منعقد ساخته، شعبه مدنی دیوان عالی کشور فرانسه در ۱۷ نوامبر ۱۹۹۳ وکیل را مسئول شناخته. جزاین که وکیل پس از ایفاء می تواند به مالک یعنی موکل خود رجوع نماید. (Bertolaso, 1999:1)

۲-۲-۲-۳-۲-۲. فعل زیان بار

ارتکاب تقصیر می‌تواند سبب مسئولیت و کیل در مقابل ثالث شود. (Terré , Simler, 182: Lequette, 2005) در این موارد با توجه به عدم وجود رابطه قراردادی بین وکیل و ثالث، دعوی ثالث علیه وکیل به استناد ماده (۱۲۴۰) ق.م.ف نوعی دعوی مسئولیت مدنی قهری خواهد بود. شعبه تجاری دیوان عالی کشور فرانسه در ۹ می ۱۹۸۵ چنین نظر داده بود که وکیل در مقابل ثالث مسئول جرم و شبه جرم خود است و شعبه سوم مدنی دیوان عالی فرانسه نیز در ۶ ژانویه ۱۹۹۹ چنین نظر داده که اگر وکیل در اجرای مأموریت خود، مرتکب خطا و به عبارتی مرتکب جرم و شبه جرم شود، در مقابل ثالث، مسئول است. به نظر نویسندگان، عدم رعایت دستورات موکل نیز می‌تواند مسئولیت وکیل را به دنبال داشته باشد که در آراء شعبه تجاری دیوان عالی فرانسه می‌توان در ۲۳ آوریل ۱۹۸۵ و ۱۹ آوریل ۱۹۸۵ مشاهده نمود. البته رعایت دستورات موکل نیز گاهی می‌تواند منتهی به مسئولیت مدنی قهری وکیل گردد که در شعبه مختلط دیوان عالی فرانسه در ۲۶ مارس ۱۹۷۱ چنین توضیح داده شده که وکیل شخصاً در مقابل ثالث مسئول تقصیر خود است خواه آن را به اختیار انجام داده یا به دستور موکل. (Bertolaso, 1999: 1)

نتیجه‌گیری

بررسی حقوق فرانسه نشان از وسعت تعهدات و مسئولیت‌های هر یک از وکیل و موکل در مقابل یکدیگر دارد. در حقوق ایران مانند فقه مرسوم است که اصولاً به شرح برخی از تعهدات و مسئولیت ناشی از ید ضمانی وکیل در صورت تعدی و تفریط در مقابل موکل بسنده شود. در حالی که مطالعه تعهدات و مسئولیت‌های وکیل و موکل در مقابل یکدیگر یکی از مباحث مهم حقوق تعهدات است. همچنین وجود اصل نسبی بودن قراردادها مانع از این نیست که در مواردی تعهدات و مسئولیت‌های ایشان ناشی از فعل یکدیگر در مقابل ثالث، گسترش یابد. به همین دلیل در فرانسه به طور مفصل تعهدات و مسئولیت‌های ایشان در مقابل یکدیگر و ثالث مورد بررسی قرار گرفته. البته در فقه، ید امانی و طریقه تبدیل ید امانی به ضمانی بحث شده و فقها در حمایت از وکیل، ید وی را





امانی اعلام کرده اند که چنین موضوعی خاص سیستم حقوق اسلامی است. اما در فقه، از منظر حقوق تعهدات به روابط اطراف و کالت کمتر توجه شده و به ویژه در کتاب الوکاله مطالب چندانی در مورد مسئولیت وکیل به جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات وی ارائه نشده. در حالی که در حقوق فرانسه بیشتر از منظر حقوق تعهدات به مساله نگاه شده و نه تنها به روابط وکیل و موکل بلکه به روابط ایشان با ثالث نیز توجه شده و با تفکیک فعل ناشی از فعل شخص و فعل غیر در خصوص وکیل و موکل و ثالث مطالب جالبی مطرح شده. همچنین با این که تفکیک بین تعهدات به وسیله و نتیجه در اندیشه فقها وجود داشته، اما صراحتاً این تقسیم با این عنوان به چشم نمی خورد ولی در فرانسه تقسیم تعهدات به وسیله و نتیجه و وجود قرارداد پورت فور بر مسئولیت مدنی وکیل بی تاثیر نیست. در حقوق ایران نیز به همان نتایج می توان نائل شد. قانونگذار ایرانی می تواند در آینده با تاکید بر تعهدات به نتیجه و وسیله ناشی از عقد و کالت، دامنه مسئولیت های هر یک از وکیل و موکل را در مقابل یکدیگر و ثالث تعیین نماید. تا آن زمان رویه قضایی می تواند با تشخیص تعهدات هر یک در مقابل یکدیگر و ثالث، نقش هر یک از این تعهدات و مسئولیت های ناشی از نقض هر یک از این تعهدات را به خوبی تبیین نماید تا از تشتت آراء جلوگیری به عمل آید. همچنین با شناسایی رابطه گماشتگی بین طرفین می توان با طرح مسئولیت های ناشی از عمل غیر، حقوق زیان دیده را بهتر تامین نمود.

منابع

- ۱- ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، ۱۴۱۰ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ج ۲.
- ۲- ابن زهره، حمزه بن علی حسینی، ۱۴۱۷ق، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱.
- ۳- ایزانلو، محسن، ۱۳۸۶ش، شروط محدودکننده و ساقط کننده مسئولیت در قراردادها، شرکت سهامی انتشار، چ ۲.
- ۴- بادینی، حسن، ۱۳۸۴ش، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱.





۵- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۵ق، الحقائق الناظره فی احکام اعتره الطاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ج ۲۲.

۶- بدر، بلال عدنان، ۲۰۰۷م، المسئولیه المدنیه للمحامی، منشورات الحلبي الحقوقیه، چ ۱.
۷- تبریزی، جواد بن علی، ۱۴۲۶ق، منهاج الصالحین، قم، مجمع الإمام المهدي، چ ۱، ج ۲.
۸- جعفری تبار، حسن، ۱۳۹۴ش، کاتوزیان و حقوق زیان، تحلیل نظریه مسئولیت مدنی و نگاه کاتوزیان به آن، مندرج در کتاب بر منهج عدل، به سعی دکتر حسن جعفری تبار، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲.

۹- جبعی عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ق، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چ ۱، ج ۵.
۱۰- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری، ۱۴۰۴ق، التنقیح الرائع لمختصر الشرايع، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چ ۱، ج ۲.

۱۱- حلی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی، ۱۴۰۷ق، المذهب البارِع فی شرح مختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ج ۳.
۱۲- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۰ق، إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ج ۱.

۱۳- سبزواری، محمد باقر بن محمد مومن، ۱۴۲۳ق، کفایه الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ج ۱.
۱۴- سنهوری، عبدالرزاق احمد، ۱۹۹۸م، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، منشورات الحلبي الحقوقیه، چ ۳، ج ۱.

۱۵- صفایی، سیدحسین، رحیمی، حبیب الله، ۱۳۸۹ش، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، چ ۱.

۱۶- صیمری، مفلح بن حسین، ۱۴۲۰ق، غایه المرام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دارالهادی، چ ۲، ج ۱.



- ۱۷- طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن، ۱۴۱۰ق، الموثلف من المختلف بين ائمه السلف، مشهد، مجمع البحوث الاسلاميه، چ ۱، ج ۱.
- ۱۸- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۳۸۷ش، المبسوط فی فقه الاماميه، تهران، المكتبه المرتضويه لاحياء الاثار الجعفریه، چ ۳، ج ۲.
- ۱۹- طوسی، محمد بن علی بن حمزه، ۱۴۰۸ق، الوسيله إلى نيل الفضيلة، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چ ۱.
- ۲۰- عاملی، محمد بن مکی، ۱۴۱۰ق، اللمعه دمشقيه فی فقه الاماميه، بيروت، دارالتراث الاسلاميه، چ ۱.
- ۲۱- عبدالله، هدی، ۲۰۰۸م، الاعمال غير المباحه، منشورات الحلبي الحقوقیه، چ ۱، ج ۳.
- ۲۲- عوجی، مصطفی، ۲۰۰۹م، القانون المدني، المسئولية المدنيه، منشورات الحلبي الحقوقیه، چ ۴، ج ۲.
- ۲۳ - غمامی، مجید، ۱۳۷۶ش، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، تهران، نشر دادگستر، چ ۱.
- ۲۴- قاسم زاده، سیدمرتضی، ۱۳۷۸ش، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، نشر دادگستر، چ ۱.
- ۲۵- قاسم زاده، سیدمرتضی، ۱۳۸۸ش، الزامها ومسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران، نشر میزان، چ ۷.
- ۲۶- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶ش، حقوق مدنی. عقود معین، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، چ ۲، ج ۴.
- ۲۷- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۹ش، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات بهنشر، چ ۲، ج ۲.
- ۲۸- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶ش، حقوق مدنی الزام های خارج از قرارداد، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۸، ج ۱.
- ۲۹- کیدری، قطب الدین محمد بن حسین، ۱۴۱۶ق، اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱.





۳۰- محمود سوادى، عبدالباقى، ۲۰۱۰م، مسئوليـه المحامى المدنيـه عن اخطائه المهنيـه، دارالثقافـه للنشـر و التوزيـع، چ ۲.

۳۱- مكارم شيرازى، ناصر، ۱۴۲۵ق، أنوار الفقاهة- كتاب النكاح، قم، انتشارات مدرسه الإمام على بن أبى طالب عليه السلام، چ ۱.

۳۲- موسى خمينى، روح الله، ۱۳۷۳ش، تحرير الوسيـله، قم، فتر انتشارات اسلامى، چ ۱، ج ۳.

۳۳- ميرزاى قمى، ابو القاسم بن محمد حسن، ۱۳۷۱ش، جامع الشتات فى أجوبه السؤالات، تهران، مؤسسه كيهان، چ ۱، ج ۳.

۳۴- نجفى، محمد حسن، بى تا، جواهر الكلام، دارالاحياء التراث العربى، چ ۷، ج ۲۷.

35- Antonmettel,Paul-Henn,Raynard,Jacques,Seube,Jean-Baptiste,(2002) Travaux dirigé de Droit des obligations. 4é.éd. Litec.

36- Bacache-Gibeili ,Mireille,(2007)Droit civil.Les obligations.La responsabilité civile extracontractuelle. T.5 . 1é.éd. Economica.

37- Benabant .Alain.(2005) Droit civil .Les obligations. 10.é.éd.Librairie général de droit et de jurisprudence. Montchrestien.

38- Bertolaso.Sabine. (1999)"Mandataire" JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 415.

39-Borghetti .Jean-Sébastien(2010) "La responsabilité du fait des choses, un régime qui a fait son temps". RTD Civ.

40-Buffelan Lanore. Yvaine. Larribau-Terneyre. Virginie(2008) Droit civil. Les obligations. 11é.éd. Siry.

41- Carbillac .Remy(2008) Droit des obligations. 8é.éd.Dalloz.

42- Carbonnier. Jean(1998) Droit civil. Les obligations. T4. 21é. éd. presses universitaires de France.

43- Colin .Ambroise. Capitant .H.(1935) Cours élémentaire de Droit Civil Français. T.2. 8é. éd. Dalloz.

44- Delebecque .Philippe. Jérôme pansier .Frédéric(2014) Droit des obligations. 6é.éd. LexisNexis.

45-Fabre-Magnan .Muriel.(2008) Droit des obligations.T.1 contrat et engagement unilatéral. 1é.éd. Presses universitaires de France.

46- Fabre-Magnan .Muriel(2007) Droit des obligations.T.2.Responsabilité civile et quasi-contrats. 1é.éd. Presses universitaires de France.

47-Flour.Jaques. Aubert. Jean-Luc. Savaux. Eric (2008) Droit Civil. Les Obligations.T.1. L'acte juridique. 13é.éd. sirey.



- 48-Jourdain .Patrice (2007) Les principe de la responsabilité civile.7é.ed. Dalloz.
- 49- Le Tourneau .Philippe. Cadiet.Loic.(1998) Droit de la responsabilité. 1é.éd.Dalloz.
- 50- Malaurie. Philippe. Aynes. Laurent. Stoffel-Munck. Philippe (2007) Droit civil. Les obligations. 1 é.éd. Editions juridiques associées. Défrenois.
- 51- Malaurie .Philippe. Aynes .Laurent(1998) Droit Civil. Contrats speciaux. 12é.éd. Cujas.
- 52-Marty.Gabriel.Raynaud.Pierre.Jestaz.Philippe.(1989) Droit civil.Les obligations. T.2.2e.ed.Sirey.
- 53-Mazeaud .Henri. Léon. Jean(1978) Leçons de droit civil. T.2. volume premier. Obligations. 6é.éd. par françois chabas. Paris. Montchrestien.
- 54- Mazeaud .Denis.(2007) "Perte de chance ". Revue des contrats. N°2.
- 55-Outin-Qdam,Anne. (2011)"Responsabilité des employeures et salarié".in Pour une réforme de droit de la responsabilité civile .1é.éd .Dalloz.
- 56-Radé .Christophe.(2007)"DROIT À RÉPARATION. Responsabilité du fait d'autrui. Domaine: responsabilité des commettants". JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 143.
- 57- Saint-Pau, Jean-Christophe(2013) "DROIT à REPARATION Conditions de la responsabilité contractuelle Fait générateur Inexécution imputable au débiteur", JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 171-20.
- 58-Starck .Boris(1972)Droit civil. Obligations. 1é.éd. Librairies techniques.
- 59-Terré .François. Simler.Philippe. Lequette.Yves(2005) Droit Civil. Les Obligations.9 é.éd .Dalloz.
- 60- Vaillier.Pascale.(2014) " Avocat". JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 330.
- 61- Viney. Genevieve. Jourdain. Patrice.(1998)Traité de Droit civil. Les conditions de la responsabilité civile. 2é. éd. Librairie générale de Droit et de Jurisprudence.
- 62- Viney.Geneviève(1995) Traité de droit civil. Introduction à la responsabilité. 2é.éd. librairie générale de droit et de jurisprudence.
- 63- Viney. Genevieve(1988)Traité de Droit Civil. Les obligations. La responsabilité. 1 é.éd.librairie générale de droit et de jurisprudence.
- 64- Weill .Alex. Terré.François(1975) Droit civil. Les obligations. 2é.éd. Dalloz.

